دلیل گریه استیلی بعد از گلش به امریکا؛

تور که لرزید یاد تمام سختی‌ها و آرزوهایم افتادم

حمید استیلی نیاز به تعریف و توصیف ندارد. بازیکنی با کوله‌باری از افتخارات. او یکی از به یادماندنی‌ترین گل‌های تاریخ فوتبال ایران را به ثمر رسانده که هیچ وقت از یاد اهالی فوتبال نمی‌رود. به قول خودش این گل همیشه تازگی دارد حتی امروز و بعد از گذشت ۲۳ سال. در همه این سال‌ها صحبت‌های زیادی درباره گل او به امریکا شنیدیم و خواندیم و این بار سعی کردیم از زاویه دیگر به آن بپردازیم. جالب این که حمید استیلی امروز هم با همان حرارت و شور و شوق از گلش یاد می‌کند. شاید کمتر کسی از بازیکنی با ویژگی‌ها و پست تخصصی‌اش و آن هم در حضور بازیکنانی همچون علی دایی و خداداد عزیزی موفق به گلزنی در معتبرترین و مهم‌ترین رویداد فوتبال در دنیا شود.



مصاحبه
جعفر برزگر

لحظه ورود به زمین به چه چیزی فکر می‌کردید؟

ما وقتی با اتوبوس به استادیوم شهر لیون آمدیم، قبل از ورود به رختکن وارد زمین شدیم و با تعجب دیدیم که حدود سه چهارم ورزشگاه ایرانی‌ها بودند که به بچه‌ها می‌گفتیم انگار در استادیوم آزادی هستیم.

شنیدیم که یکی از مربیان به پاشازاده گفته بود که عکس میهایلوویچ را به اتاقش بزند. به شما عکس کدام بازیکن را داده بود؟

این موضوع را آقای ایویچ گفته بود چون بازی با یوگسلاوی خیلی برایش مهم بود. البته آن موقع مثل الان آنالیز نداشتیم و مربیان حدود ۱۰ دقیقه برای بچه‌ها نکات فنی را می‌گفتند. ایویچ چون آنها را می‌شناخت، می‌گفت ضربه ایستگاهی ندهیم چون میهایلوویچ خوب این ضربات را می‌زند و پاس‌های بلندش دقیق است. همین طور یک مهاجم داشتند (میاتوویچ) که در رئال بازی می‌کرد و حرکات او را هم برای ما آنالیز کرده بود.

حداقل می‌توانستیم به یوگسلاوی نبازیم.

ما تجربه زیادی نداشتیم چرا که بازی‌های تدارکاتی زیادی برگزار نکردیم اما تیم خوب و همدلی داشتیم. بازی اول مقابل یوگسلاوی باعث شد اعتماد بنفس خوبی به دست بیاوریم و اعتقاد ما این بود که مهم‌ترین بازی ما بازی با امریکاست.

مقابل آلمان هم یک نیمه دوام آوردید.

ما پیش از آن بازی مسافت زیادی را طی کرده بودیم و خسته و کوفته به محل بازی با آلمان رسیدیم. همه فکر می‌کردند که ما در آن بازی یک تیم دست و پا بسته باشیم، اما با قدرت تمام به زمین رفتیم و یک نیمه هم پا به پای حریف خود در زمین دویدیم، اما در نیمه دوم با تحلیل قوای جسمانی روبه رو شدیم و بازی را باختیم.

ایویچ را خیلی قبول داشتید.

ایویچ به اعتقاد من یکی از مربیان خوب و تأثیرگذار فوتبال ایران بود که توانست تیم خوبی را برای حضور در جام جهانی بسازد. اما حیف که در آن زمان فرصت لازم را به او ندادند و او را خیلی زود از فوتبال ایران جدا کردند. وقتی ایویچ می‌خواست از جمع بچه‌ها جدا شود، صحنه‌های بسیار ناگواری خلق شد. بچه‌ها همگی ناراحت بودند و خیلی از آنها گریه هم می‌کردند.

اگر می‌ماند تیم ملی در فرانسه بهتر نتیجه می‌گرفت؟

نمی‌توان منکر این مسأله شد. همه به توانایی آقای ایویچ باور داشتند ولی خب فوتبال غیرقابل پیش‌بینی است و شما نمی‌توانید بگویید با حضور ایویچ قطعاً نتایج بهتری می‌گرفتیم. من خودم مربی هستم و می‌بینم که تیمی با چندین موقعیت گل نمی‌تواند گلزنی کند ولی تیم حریف با یک موقعیت، گلزنی می‌کند. بنابراین نمی‌توان صد درصد گفت آقای ایویچ موفق می‌شد ولی او می‌توانست خیلی به ما کمک کند. هرچند نباید زحمات مربیان داخلی مانند جلال طالبی، بیژن ذوالفقارنسب و اکبر مالکی نادیده گرفته شود.

همزمان با ورود توپ به دروازه امریکا، اشک شما هم سرازیر شد، چرا؟

من از بچگی آرزو داشتم که در جام جهانی بازی کنم و گل بزنم. وقتی توپ وارد دروازه شد و تور دروازه لرزید، یاد تمام سختی‌هایی که کشیده بودم، افتادم، یاد زحمات مادرم، آرزوهایی که داشتم.

آن لحظه را بعد از گل شدن توپ به یاد دارید؟

در آن لحظه فقط یادم هست وقتی بعد از ضربه آمدم پایین تور لرزید و به سمت دیگر زمین دویدم و بچه‌ها ریختند روی سرم. اما بعد از بازی متوجه شدم که چقدر این گل با ارزش و مهم بوده و مردم بعد از پیروزی ما به خیابان آمدند و جشن گرفتند.

عکس لحظه گل‌تان را دارید؟

بله.

الان که فیلم بازی را می‌بینید چه احساسی دارید؟

خیلی حس خوبی است. می‌بینم که بچه‌ها چطور تلاش می‌کردند. در چند بازی از جمله دیدار استرالیا و امریکا، بچه‌ها چند برابر توان خود دویدند. رقبای ما تدارک بیشتری دیده بودند. شما بازی ایران و امریکا را یادتان هست. تا قبل از اینکه ما به گل برسیم، کلاً بازی دست آنها بود. دو سه تا توپ هم به تیر دروازه زدند. بچه‌ها اما همه رشادت به خرج دادند. از بازیکنان اصلی بگیرید تا تمام اعضای کادر فنی و بازیکنان ذخیره. همه دست به دست هم دادیم تا برنده شویم. از حق هم نگذریم سانتر جواد زرینچه عالی بود.

بعد از بازگشت به دیار رهبر معظم انقلاب هم رفتید؟

ما بعد از بازگشت از فرانسه هم با رهبر دیدار داشتیم و هم با رئیس جمهور. یادم هست در آن جلسه همه نشسته بودیم که آقا شروع به صحبت درباره گل من کردند. حرف‌هایی زدند که باعث افتخارم بود. ایشان به خاطر گلی که زدم، پیشانی‌ام را بوسیدند.



لباس آن بازی‌تان به موزه سوییس فرستاده شده است.

من دو لباس داشتم. یکی را به دوستانم دادم. یکی را هم به خیریه اهدا کردم. در آن مراسم پول خیلی خوبی جمع شد. قرار بود خیریه پیراهن را به موزه حرم امام رضا(ع) بدهد ولی لباس رفت و برگشت و آخر به فدراسیون رفت. از آنجا هم متوجه شدم به موزه فیفا در سوئیس رفته است. ولی من خودم قلباً دوست داشتم پیراهنم به موزه حرم امام رضا(ع) برود.

اگر قبل از جام جهانی به شما می‌گفتند به یکی از سه تیم گروه ایران گل می‌زنید، باور می‌کردید؟

اصلاً. چون من هافبک بودم و بیشتر پاس می‌دادم و خواسته‌های مربیان را در زمین پیاده می‌کردم و در خدمت تیم بودم. البته کارپوششی هم انجام می‌دادم تا کریم باقری و مهدوی کیا جلو بروند. حتی در تیم‌های باشگاهی هم همین وظیفه را داشتم. بعد از بازی آقای ذوالفقارنسب به من گفتند این گلی که زدی نتیجه تمام سال‌هایی بود که در تیم ملی و باشگاهی کاملاً در خدمت تیم بودی و به نوعی هدیه خدا بود. الان هم این گل برای همیشه در ذهن علاقه‌مندان به فوتبال می‌ماند.

این بازی آنقدر مهم بود که گل شما گل قرن هم شد.

بله خیلی این گل برایم ارزشمند بوده چون همیشه زنده است. بعد از قرعه‌کشی بازی‌ها خیلی‌ها به بازی با آلمان و یوگسلاوی فکر نمی‌کردند و همه حواس‌شان به بازی با امریکا بود. همه دنیا هم دیدند که برای اولین بار بازیکنان دو تیم قبل از آغاز بازی رسمی در جام جهانی با هم عکس می‌گیرند. این اتفاق نشان داد که فوتبال می‌تواند باعث دوستی بیشتر میان انسان‌ها شود.

غیر این گل باز هم با ضربه سر گل زده بودید؟

وقتی تیم ما (ملی و باشگاهی) صاحب کرنر یا ضربات ایستگاهی می‌شد، من می‌زدم. قبل از این هم با ضربه سر گل زده بودم اما زیبایی این گل را نداشت.

بعد از این گل در زمین با بازیکنان چه صحبت‌هایی می‌کردید؟

اگر اشتباه نکنم حدود دقیقه ۳۶ گل زدیم. بعد از گل مدام با بچه‌ها حرف می‌زدیم که نتیجه را حفظ کنیم. البته آنها خیلی فشار آوردند و حتی قبل از گل ما یک فرصت تک به تک را شماره ۲ (دفاع راست) آنها داشت که احمدرضا عابدزاده مهار کرد. حضور احمدرضا درون دروازه خیال‌مان را تا حدود خیلی زیادی راحت کرده بود.

نیمه دوم هم گل دوم و...

روش بازی ما در نیمه دوم دفاع- ضدحمله بود که روی همین شیوه بازی مهدوی کیا گل دوم را هم زد. حتی می‌توانستیم روی ضربه علی دایی به گل سوم هم برسیم که دفاع‌شان توپ را از روی خط دروازه بیرون کشید اما بعد از گل آنها فشار خیلی روی تیم ما زیاد شد که خوشبختانه توپی از خط دروازه عبور نکرد.

مثل بازی با استرالیا چقدر منتظر شنیدن سوت پایان بازی بودید؟

- بازی با استرالیا با این بازی فرق می‌کرد. ما به جام جهانی صعود کرده بودیم و تجربه بازی سخت با استرالیا را هم داشتیم اما فقط بازی‌های تدارکاتی‌مان کم بود. شک نکنید اگر بازی‌های تدارکاتی داشتیم حتماً از گروه‌مان صعود می‌کردیم. ضمن این که تعداد لژیونرهای ما نسبت به الان خیلی کمتر بود.



مهرداد پولادی
بازیکن تیم ملی ۲۰۱۴



پژمان منتظری
بازیکن تیم ملی ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸



رضا قوچان‌نژاد
بازیکن تیم ملی ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸